

۱- باروک^۱

باروک واژه‌ای است که مورخان هنر برای آثار هنری و ادبی و موسیقی سده هفدهم و اوایل سده هجدهم اروپای غربی به کار می‌برند، این کلمه از واژه پرتغالی Barroco به معنی مروارید نامنتظم گرفته شده که تا سده نوزدهم به معنی بی‌تناسب و ناهماهنگ بود. علت این نام‌گذاری این بود که سازندگان آثار هنری به‌ویژه در معماری از شیوه‌های مختلف هنری (کلاسیک، گوتیک، رنسانس و...) متأثر بودند. هنر باروک در مقایسه با دوره رنسانس هنری با شکوه، نمایشی، پر تجمل و احساسی و تلاش برای وحدت بین معماری، تندیس‌سازی و نقاشی است. آثار هنری باروک تنها دارای وحدت ظاهری نیستند بلکه مانند تئاتر با حضور مخاطب کامل می‌شود. تمایل بیشتر به مذهب، توسعه علوم و رقابت‌دارندگان ثروت و قدرت در تولید آثار هنری در نقاط مختلف اروپا از عوامل شکل‌گیری شیوه باروک بود. شیوه باروک از شهر رُم شروع شد و اندکی بعد در سراسر ایتالیا رواج یافت و سپس در فرانسه، اسپانیا، انگلستان و هلند و آلمان گسترش یافت.

باروک تفاوت‌های بنیادین با سبک‌های رنسانس دارد. باروک هنری پویا و احساسی بوده برعکس اصول کلاسیک که بیشتر عقلانی است. از ویژگی‌های بارز هنر باروک ایجاد هماهنگی در میان عناصر گوناگون است در حالی که کمال مطلوب اوج هنر رنسانس برقراری تعادل میان اجزایی است که هر کدام به تنهایی از تمامیت و کمال برخوردارند.

۱-۱- معماری

معماری باروک با ساخت کلیساهای بزرگ از شهر رُم شروع شد. معماران این عصر نیز مانند دوره رنسانس هم پژوهشگر و هم در چند رشته تخصص داشتند، معماری باروک بنا به سلیقه معمار یا سفارش‌دهنده از سنت‌های مختلفی چون کلاسیک باستان، گوتیک و رنسانس در یک بنا سود می‌برد و تلاش می‌کرد بین عناصر مختلف هماهنگی ایجاد کند. در معماری باروک استفاده از شکل بیضی به جای دایره در گنبدها، پنجره‌ها و سقف رایج شد. سطوح محدب و مقعر، تأکید بر مرکز ساختمان، ارتباط معماری با فضای پیرامون، تأکید تزئینات داخلی و تلاش برای هماهنگی میان معماری، نقاشی، تندیس‌سازی بود. کارلو مادرنو^۲ و برنینی^۳ از بنیان‌گذاران معماری باروک در شهر رُم بودند. نمای و صحن بیرونی کلیسای سن پیر^۴ رُم کار مادرنو و ستون‌کاری کار برنینی است (تصویر ۱). برنینی از معماران و تندیس‌سازان بزرگ شهر رُم بود، وی پیرو سنت کلاسیک باستان بود و خود را جانشین میکال آنژ



تصویر ۱- کلیسای سن پیر روم، نما اثر کارلو مادرنو، ستون‌کاری اثر برنینی، حدود ۱۶۱۲-۱۶۰۷ میلادی

۱- Baroque

۲- Carlo Maderno

۳- Bernini

۴- Saint Peter



تصویر ۲- نمای شرقی کاخ لوور، سال ۱۶۷۰ - ۱۶۶۷ میلادی، پاریس (در حال حاضر موزه لوور)

می دانست، تزئینات پُر تجمل صحن داخلی کلیسا از نمونه کارهای او است. کاخ لوور^۱ از آثار باشکوه معماری باروک است. این بنا متأثر از سنت کلاسیک باستانی است اما ستون‌های دو تایی آن ابتکار جدیدی بود که در معماری فرانسه رواج یافت. این بنا از نظر تزئینات داخلی بسیار پر تجمل و معرف سبک تزئینی لویی چهاردهم پادشاه فرانسه است (تصویر ۲).

۲-۱- نقاشی

نقاشان باروک در نمایش طبیعت به واقعیت وفادار بودند و در آثارشان به رنگ، بافت، محاسبه روشنایی و تاریکی، استفاده از نور برای جلب توجه، حالت نمایشی، فضای پر و خالی و جلوه‌های غیر مترقبه اهمیت می‌دادند. از ویژگی‌های نقاشی باروک رواج نقاشی‌های علمی، تجسم فرهنگ و ادبیات عامه و آدم‌های معمولی، طبیعت بیجان، نقاشی منظره، نقاشی سقفی (تصاویر ۳ تا ۶)، از هنرمندان برجسته این دوره می‌توان به کاراوادجو^۲، خوان سانچز^۳، دیه گو و لاسکوئر^۴، روبنس^۵ و رامبراند^۶ اشاره کرد.



تصویر ۴- طبیعت بیجان اثر خوان سانچز، رنگ و روغن، حدود سال ۱۶۰۲ میلادی، اسپانیا



تصویر ۳- تصویر ایمان آوردن پولس مقدس، اثر کاراوادجو، رنگ و روغن، حدود ۱۶۰۱ میلادی، روم

۱- Palace of Louvre

۲- Karavaggio

۳- Sanchez

۴- Velazquez

۵- Robens

۶- Rembrandt



تصویر ۶- تصویر ندیمه‌ها اثر ولاسکوئز، رنگ و روغن، سال ۱۶۵۶ میلادی، مادرید



تصویر ۵- مارکزا، اثر روبنس، رنگ و روغن، سال ۱۶۰۶ میلادی، گالری هنر واشنگتن

۱-۳- تندیس‌سازی

تندیس‌سازی باروک نیز همانند نقاشی بسیار زنده، پرشور و چشمگیر است و بیان‌گر تلاش

هنرمند در ارایه احساسات عمیق انسان است و تلاش دارد واکنش تماشاگر را برانگیزد (تصویر ۷). تندیس داوود در حال پرتاب سنگ به جالوت اثر برنینی سرشار از بیان احساس، تحرک و پویایی است (تصویر ۸).



تصویر ۸- داوود در حال پرتاب سنگ به سمت جالوت، اثر برنینی، سنگ مرمر، سال ۱۶۲۳ میلادی، روم (مقایسه کنید با داوود میکل آنژ)



تصویر ۷- تندیس بدن روحانی متوفی (طبیعت‌گرایی پُر احساس)، اثر استفانو مادرنو، مرمر، حدود ۱۶۰۰ میلادی، روم

۲- روکوکو^۱



تصویر ۹- مادام دپمپادور، اثر فرانسوا بوشه، حدود ۱۷۵۹ م

اصطلاحی در تاریخ هنر برای توصیف هنر تزئینی در زمینه‌های مختلف، چون معماری، بناآرایی، نقاشی، تندیس‌سازی، طراحی ائاثیه و اشیای زینتی و غیره که در زمان سلطنت لویی پانزدهم در تقابل با شیوه خشک و رسمی دربار لویی چهاردهم در فرانسه پدید آمد. واژه روکوکو از واژه فرانسوی روکای به معنی «سنگریزه» گرفته شده است و به سنگریزه‌ها و صدف‌هایی اطلاق می‌شود که برای تزئین فضای داخل غارها و سرداب‌های مصنوعی به کار برده می‌شوند. و اتو^۲ از برجسته‌ترین هنرمندان سده هجدهم میلادی است که نقاشی فرانسه را از قید آکادمیسم عصر لویی چهاردهم آزاد کرد و سبک خاصی را آفرید که پس از او به روکوکو انجامید. نقاشی این دوره، سرشار از جلوه‌های شاد و فریبنده با موضوع‌های

دنیوی و سبکسرانه، رنگ‌های لطیف و خطوط منحنی و منطبق با سلیقه اشرافیت است. این سبک همراه با هنرمندان فرانسوی که از طرف دولت‌های اروپایی دعوت به کار می‌شدند و به یاری تصویرهای چایی بی‌شمار از روی طرح‌های فرانسوی به هر سو از اسپانیا تا روسیه گسترش یافت. بوشه^۳، که نقاشی‌های او تزئینی با رنگهای چشم‌نواز است از نمایندگان این سبک به‌شمار می‌رود (تصویر ۹).

۳- هنر در سده‌های ۱۸ و ۱۹ میلادی (نئوکلاسیسیسم، رمانتیسیسم، رئالیسم و ...)

اروپا و کشور نوظهور آمریکا از اواسط سده‌های هجده و نوزده شاهد تحولات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی مهمی بود. انقلاب صنعتی در اروپا، انقلاب فرانسه بر علیه نظام استبدادی حاکم و انقلاب مردم آمریکا بر علیه استعمار انگلیس از عوامل بسیار مهم در تغییر نگرش مردم نسبت به هنر بوده‌اند. در طول این دو سده به تدریج سلطه کلیسا و حکومت‌های استبدادی بر مردم از بین رفت و فرهنگ اروپایی غربی و آمریکا، به تدریج دنیوی شد. ظهور فیلسوفان تجربه‌گرا مانند ولتر^۴، سبب نگرش‌های تازه شد به گونه‌ای که هنر نیمه دوم سده هجدهم را عصر روشنگری و حتی شروع هنر مدرن نیز می‌نامند. شکل‌گیری موزه‌ها و گالری‌های هنری، رواج خرید و فروش آثار هنری و نشر کتب و نشریات هنری باعث گسترش هنر در جامعه شد. رشد جامعه شهری و طبقه متوسط جامعه، سبب شکل‌گیری جنبش‌ها و شیوه‌های مختلف هنری شد. این جنبش‌ها بیشتر در نقاشی تجلی یافته است. ظهور مصالح ساختمانی جدید اشکال جدیدی را در معماری پدید آورد. اینک به اجمال مهم‌ترین شیوه‌های هنری این دو سده معرفی می‌شود.

۱- Rococo

۲- Watteau

۳- Boucher

۴- Voltre

۱-۳- نئوکلاسیسیسم^۱

جنبشی زیبایی شناختی و سبکی هنری که در نیمه دوم سده هجدهم از سوی همچون واکنشی علیه افراطی‌گری باروک متأخر و سبکسری و ظرافتکاری‌های روکوکو و از سوی دیگر گرایش به هنر باستانی یونان و روم به‌عنوان تقلید از طبیعت در زیباترین شکلش رواج یافت.

هنرمند معروف این سبک ژاک لویی داوید^۲ (۱۷۴۸-۱۸۲۵م) است. او در برابر سبک روکوکو به‌عنوان ذوق ساختگی طغیان کرد و سنت‌های کلاسیک و آکادمیک را از نو به سبک فردی خود احیاء کرد. سوگند هوراتیوس‌ها نمونه کامل آکادمیسیم نئوکلاسیک است (تصویر ۱).^۳ انگر^۴ پرورده مکتب داوید واسطه‌ای برای تبدیل نقاشی نئوکلاسیک به هنر آکادمیک شد. نمونه‌ای از معماری نئوکلاسیک را در تصویر ۱۱ مشاهده می‌کنید.



تصویر ۱- ژاک لویی داوید، سوگند هوراتیوس‌ها، ۱۷۸۴م، رنگ روغن روی بوم، ۴۲۰×۳۳۰ سانتی‌متر، موزه لوور، پاریس



تصویر ۱۱- خانه توماس جفرسن رئیس جمهور امریکا، سده ۱۸ میلادی، ویرجینیا، امریکا

۲-۳- رمانتیسیسم^۲

مکتب رمانتیک در هنرهای تجسمی، از اواخر قرن هجدهم یعنی از ۱۷۹۰ تا ۱۸۴۰ هم‌زمان با احیای مکتب نئوکلاسیک تجلی یافت و در میانه قرن نوزدهم جانشین نئوکلاسیک شد. زادگاه این سبک انگلستان بود و مکتب منظره‌نگاری انگلیسی تأثیر بسیار گسترده‌ای بر جنبش رمانتیک داشت. این جنبش هم‌زمان با نخستین انقلاب‌های اجتماعی و سیاسی عصر جدید که دگرگونی عمیقی در ذهن انسان اروپایی پدید آورد، شکل گرفت. نقاشان این مکتب کارگاه نقاشی را طرد کردند. آن‌ها به طبیعت عشق می‌ورزیدند. رنگ‌ها را تابناک و سرزنده به‌تصویر می‌کشیدند. مضامین متعارف و

۱- Neo - Classicism

۲- David

۳- Ingers

۴- Romanticism



تصویر ۱۲- اوژن دلاکروا، پاگانینی، حدود ۱۸۳۲، رنگ روغن روی مقوا، ۲۸×۴۲ سانتی‌متر، مجموعه فیلیپس، واشنگتن

چهره‌های عادی را انتخاب می‌کردند و به‌جای تناسبات رسمی و قراردادی عناصری تازه را جایگزین کردند. لازم به‌ذکر است که اینها همه در عصر «انقلاب صنعتی» گریزی از سلطه خفقان‌آور ماشین و پناهی به‌دامان طبیعت بود.

شاخص‌ترین هنرمند رمانتیک اوژن دلاکروا^۱ است که دامنه امکانات بیانی این هنر را وسیعاً افزایش داد او آنچه را که درباره رنگ فرا گرفته بود به نقاشان بعدی سده نوزدهم مخصوصاً به امپرسیونیست‌ها انتقال داد. در عصر رمانتیسیسم، بخش بزرگی از هنر نقاشی، مضمون‌هایش را از ادبیات می‌گرفت. دلاکروا داستان‌های تابلوهایش را عموماً از ادبیات پیش از کلاسیک یا پس از کلاسیک و رخدادهای روزگار خود بر می‌گزید (تصویر ۱۲).

۳-۳- رئالیسم^۲

رئالیسم در میانه سده نوزدهم به‌وجود آمد که واکنشی در برابر خصلت آرمانی کلاسیسیسم و خصلت ذهنی رمانتیسیسم بود. انسان‌دوستی و علاقه به اصلاحات اجتماعی موضوعی بود که به‌تمام زوایای زندگی و هنر سده نوزدهم راه پیدا کرد. آنچه به‌نظر هنرمند جالب می‌آمد، اکنون در محیط خود او وجود داشت و این موضوع جالب، مردم - همان‌گونه که هستند - بود. نقاشی رئالیستی بازنمایی بدون آرمانگری در مفهوم صحنه با تمام خصوصیات پسندیده و ناپسندیده بود. این نهضت با گوستاو کوربه^۳ آغاز می‌شود. تابلوی «سنگ شکنان» او نخستین نمونه تمام‌عیار نقاشی به این شیوه است. او معتقد بود که هنرمند باید فقط چیزهای مرئی و ملموس را بازنمایی کند. او موضوعاتی چون زندگی و کار تهیدستان را انتخاب می‌کرد و راه را برای نقاشان دیگر حتی با دیدگاه‌های متفاوت گشود (تصویر ۱۳).



تصویر ۱۳- گوستاو کوربه، سنگ شکنان، نگارخانه دولتی، درسدن (این تابلو در جنگ دوم جهانی ناپدید شد)

۴- دیگر نقاشان (بدون مکتب)

در قرن نوزدهم تعدادی از هنرمندان جوان از پذیرش تعالیم پیشکسوتان صاحب نفوذ مانند داوید و انگر روی برتافتند و آزادانه مسیرهای فردی یا گروهی تازه‌ای در پیش گرفته و از حدود هر مکتب و شیوه بیرون قرار گرفتند. نخستین آن‌ها فرانسویس گویا^۱ نقاش اسپانیایی بود. او هیچ مکتبی نداشت و در نقاشی‌های خود با بدبینی شدید و هجوی کابوس مانند، ستمگری زورمندان را به باد انتقاد می‌گرفت و از ستمدیدگان حمایت می‌کرد (تصویر ۱۴).

انوره دومیه^۲ نیز با تکنیک چاپ سنگی مقدار زیادی کاریکاتورهای اجتماعی و سیاسی برای چاپ در مجلات و روزنامه‌ها ساخت (تصویر ۱۵). فرانسوا میله^۳ (میله) و کامیل کورو^۴ نقاشانی هستند که تمایلات هر دو مکتب واقع‌گرایی و رمانتیک را در آثارشان می‌توان دید (تصویر ۱۶).



تصویر ۱۴- فرانسویسکو گویا، زنان در بالکن، ۱۸۱۰-۱۸۱۵ میلادی، رنگ و روغن روی بوم، موزه هنر متروپولیتن، نیویورک



تصویر ۱۶- ژان فرانسوا میله، خوشه چینان، ۱۸۵۷ میلادی، رنگ و روغن روی بوم، موزه اورسه، پاریس



تصویر ۱۵- انوره دومیه، خیابان ترانسنون، ۱۸۳۴، گراور، ۴۵×۳۰ سانتی متر، موزه هنری فیلادلفیا

۵- امپرسیونیست و جریان‌های تأثیرگذار او اواخر قرن ۱۹

اصطلاح امپرسیونیست را در سال ۱۸۷۴م، روزنامه‌نگاری به‌ریشخند در مورد یکی از منظره‌های کلود مونه^۵ (امپرسیون: طلوع آفتاب) به‌کاربرد. مونه نماینده واقعی این جنبش

۱- Goya

۲- Daumier

۳- Miller

۴- Camille corot

۵- Monet



تصویر ۱۷- کلود مونه، در ساحل رود سن، رنگ و روغن روی بوم، ۱۸۶۳

است. او شانزده منظره از پل واترلو در لندن و بیست و شش منظره از کلیسای روئن و ساحل رود سن را نقاشی کرد (تصویر ۱۷). در هر تابلو، کلیسا از یک نقطه دید ثابت ولی در ساعات متفاوتی از روز و در شرایط اقلیمی و جوی متفاوتی مشاهده شده است. مونه گزارشی از گذشت زمان در حین حرکت نور بر روی شکل‌های همانند فراهم و در اختیار تماشاگر گذاشته است. مانه^۱، مونه، پیسارو^۲، رنوار^۳ و دگا^۴ از شاخص‌ترین امپرسیونیست‌ها هستند. هر کدام از این نقاشان شیوه شخصی خویش را داشتند. عامل پیونددهنده این نقاشان «حساسیت به رنگ» و «جلوه‌های ناپایدار نور و حرکت» است. نور نقش اصلی را در نقاشی امپرسیونیستی ایفا می‌کند و وظیفه هنرمند ثبت دقیق و فوری ارتعاشات زودگذر نور است. در نزد امپرسیونیست‌ها شیء ترسیم شده اساساً یک سطح منعکس کننده نور است. امپرسیونیست‌ها بیشتر در فضای باز نقاشی می‌کردند.

در اینجا لازم است اشاره‌ای به آگوست رودن^۵ برجسته‌ترین پیکره‌ساز فرانسوی این دوره بشود. کاری که او برای پیکرتراشی کرد همانند نقش امپرسیونیست‌ها برای نقاشی بود. نمایش حرکت و حالت برای او بسیار اهمیت داشت. هنر میکل آنژ نقش قطعی در شکل‌گیری سبک او داشت. رودن تندیس‌های ناتمام رها شده و پیوسته به تخته سنگ میکل آنژ را می‌ستود و بهترین تندیس‌های مرمرین و مفرغی‌اش را نیمه تمام رها می‌کرد (تصویر ۱۸).



تصویر ۱۹- پل سزان، نقش اشیا، حدود سال‌های ۱۸۸۲-۱۸۷۹ میلادی، رنگ روغن روی بوم، ۴۶×۵۵ سانتی‌متر، کلکسیون خصوصی



تصویر ۱۸- آگوست رودن، متفکر، مفرغ، ۱۸۸۷-۱۸۷۹

۱- Manet

۲- Pissarro

۳- Renoir

۴- Degas

۵- Rodin

امپرسیونیسم مهمترین پدیده هنری قرن ۱۹ اروپا و نخستین جنبش نقاشی مدرن به شمار می‌رود. زمانی که هنرمندان امپرسیونیست جدی گرفته شدند، آن‌ها و تعدادی از پیروانشان احساس کردند که فقط بیننده صرف طبیعت نیستند و هنرمند باید در خلق اثر هنری دخالت کند. «سورا»^۱ و «سزان»^۲ با روش علمی در صدد یافتن قواعد جدیدی برای نظم دادن به تجربه و ادراک رنگ بودند (تصویر ۱۹). سورا شیوه‌ای از نقاشی با نقطه‌های ریز در مجاورت هم ابداع کرده بود. بدین معنی که نقطه رنگ‌های ناب و روشن را کنار هم می‌گذاشت تا ترکیب آن‌ها با هم از فاصله معمول دید، در نظر بیننده رنگ دلخواه نقاش را مجسم سازد. از نظر سزان «نقاش باید طبیعت را به شکل استوانه، کره و مخروط نشان دهد».

برداشت زیبایی‌شناسانه سزان پیش درآمدی بر نگاه هنرمندان جنبش کوبیسم شد. او را پدر هنر مدرن می‌نامند. بر خلاف سورا و سزان که به روش علمی در صدد یافتن قواعد جدیدی برای ادراک رنگ در نقاشی بودند، «ونسان ون گوگ»^۳ از رنگ برای بیان عواطف خویش استفاده کرد (تصویر ۲۰). «گوگن»^۴ نیز رنگ را با ترکیبات تازه و غیر منتظره به کار برد و توجه‌اش به معانی روانشناختی رنگ بود، یعنی رنگ به‌خودی خود چیزی را «بیان» می‌کند. نقاشی او سرشار از عناصر نایاب، با دامنه کاربرد تزئینی است. جنبش‌های فوویسم و اکسپرسیونیسم اصول کار گوگن و ون گوگ را دنبال کردند.

در پایان سده نوزدهم و سال‌های پیش از جنگ جهانی اول هنرمندان نسبت به فشارهایی که تمدن بر انسان تحمیل می‌کند نگران می‌شوند و زندگی معاصر را با زبانی تلخ و تصرف در شکل و رنگ به تماشاگر منتقل می‌کنند.

در آثار هنری تولوز - لوترک^۵ زندگی معاصر با کاریکاتوری دل‌تنگ‌کننده و زنده بیان می‌شود. دگا و گراورهای ژاپنی بر کار او بسیار تاثیر گذار بودند. او با ساده کردن پیکره‌ها و چهره‌ها دخل و تصرفاتی در آن‌ها به وجود آورد که زمینه‌ای برای اکسپرسیونیسم شد و نوآوری‌هایی انقلابی در هنر بوستر به وجود آورد (تصویر ۲۱).



تصویر ۲۰- ونسان ون گوگ، اتاق نقاش در آرل، سال ۱۸۸۹ میلادی، رنگ روغن روی بوم، موزه اورسی، پاریس



تصویر ۲۱- هنری دو تولوز - لوترک، بوستر، ۱۸۹۲

۱- Seurat

۲- Cezanne

۳- Vangogh

۴- Gauguin

۵- Lautrec

۶- سمبولیسم (نمادگرایی)

در دو دهه آخر قرن ۱۹ جریان‌های تازه‌ای در هنر اروپا شکل می‌گیرد. جنبش سمبولیسم از جمله این جریان‌ها بود. سمبولیست‌ها تقلید از طبیعت را خوار شمردند و آن را تبدیل به سمبل یا نمادی از تجربه درونی آن واقعیت کردند. تفسیرهای آزادانه هنرمند از طبیعت جای شکل‌های قطعی جهان مرئی را گرفت و کم‌کم اسلوب کار هنرمند شخصی‌تر شد. هنرمند با رد شکل‌های قراردادی، از سلطه مفاهیم و معانی قراردادی نیز بیرون می‌آید. وظیفه هنرمند جستجوی سرچشمه‌های پنهان و رموز آدمی است. آن‌ها به دنبال کشف و شهود بودند. سمبولیست‌ها در بیانیه‌ای اعلام کردند «ما به استقلال هنر باور داریم، هنر برای ما وسیله نیست بلکه هدف است. هر هنرمندی که چیزی جز زیبایی در نظر گیرد، در نظر ما هنرمند نیست...». شعار «هنر برای هنر» شیوه زندگی آن‌ها بود. الهام بخش سمبولیست‌ها، تاریخ و اساطیر و ادبیات شرق، اقیانوسیه، بیزانس، ایران، اروپای سده‌های میانه و رنسانس آغازین بود. نقاشانی چون ژدن، دُشاوان^۱ و کلیمت^۲ با جنبش سمبولیست پیوند داشتند. یک گروه از سمبولیست‌ها که در دهه آخر قرن ۱۹ جذب زیبایی‌شناسی گوگن شدند، خود را نبی‌ها نامیدند. از جمله اعضای این گروه می‌توان از ویار^۳ و بونار نام برد. در نظر آن‌ها الهام و اندیشه مهمتر از مضمون بود.

ارزشیابی

- ۱- هنر باروک دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۲- معماران باروک چه نام داشتند؟
- ۳- نقاشی‌های عهد باروک دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۴- ویژگی‌های تندیس‌های عهد باروک را شرح دهید.
- ۵- ویژگی خاص روکو کو را توضیح دهید.
- ۶- شیوه نقاشی نئوکلاسیسیسم دارای چه خصوصیتی است؟
- ۷- مکتب رمانتیسیسم دارای چه ویژگی‌هایی است؟
- ۸- چه عواملی سبب ایجاد و ظهور رئالیسم شد؟
- ۹- منظور از نقاشان بدون مکتب چیست؟
- ۱۰- جنبش امپرسیونیسم دارای چه نوآوری‌هایی در عرصه نقاشی بود؟
- ۱۱- ویژگی‌های سمبولیسم را شرح دهید.

۱- Dechavannes

۲- Klimt

۳- Vuillard

فصل پانزدهم

قرن بیستم

هدف‌های رفتاری: پس از پایان این فصل از دانش‌آموز انتظار می‌رود که

تواند:

- ۱- جنبش فوو را شرح دهد.
- ۲- جنبش اکسپرسیونیست را شرح دهد.
- ۳- کویسم را شرح دهد.
- ۴- دادا و سورتالیسم را شرح دهد.
- ۵- هنر تجریدی را شرح دهد.
- ۶- گرایش‌های هنری اوایل قرن نوزدهم روسیه را شرح دهد.
- ۷- گرایش‌های هنری آمریکای پس از جنگ را شرح دهد.

جهان هنر در سده بیستم بیش از همه نسبت به سده‌های پیشین با نواندیشی و نوآوری همراه بود. یکی از ویژگی‌های این قرن پر تلاطم، تمایل و اشتیاق به خلاقیت و ابداع بود و همین اشتیاق سبب شکل‌گیری شگفت‌آوری از انواع جنبش‌ها و شیوه‌های بیان هنری شد. در این زمان موضوع هنر، خلاقیت و نوآوری بود. توسعه روزافزون علم‌گرایی و تکنولوژی در اروپای غربی و آمریکا و سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی دول غربی بر دیگر ممالک جهان، چهره زندگی فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی دنیا را همه‌جانبه تغییر داد. این تغییرات سبب گردید که اصطلاح مدرن یا دنیای جدید برای سده بیستم در نظر گرفته شود، اگرچه اصطلاح مدرن از سده هجدهم کما بیش به خاطر شکل‌گیری تغییرات علمی و اجتماعی به کار می‌رفت. این تغییرات بر هنر نیز تأثیر عمیق گذاشت و هنرمندان نیز با آن همگام شدند. جنگ‌های جهانی اول و دوم و نتایج آن سبب تغییرات سیاسی و فرهنگی در جهان گردید و نیز باعث انتقال مرکز هنری دنیا از اروپا به آمریکا شد. اندیشه‌های مدرنیته تا دهه هفتاد میلادی دوام آورد و از این پس به تدریج، دست‌آوردهای جهان مدرن زیر سؤال رفت. با وجود آن‌که علم‌گرایی و تکنولوژی، زندگی انسان سده بیستم را به‌طور اساسی دگرگون ساخت اما تکنولوژی خود مشکلات جدیدی را مانند نابودی محیط زیست، بیماری‌های جدید، تبعیض نژادی و ... در پی داشت

که سبب واکنش محافل گوناگون و از جمله هنرمندان به تحولات این سده گردید. این واکنش سبب شکل‌گیری اندیشه‌ای شد که پس از دههٔ هفتاد میلادی به جهان بعد از مدرنیسم شهرت یافت. از ویژگی‌های این اندیشه، تنوع و شکل‌گیری مراکز جدید هنری، استفاده از ابزار و روش‌های نو برای بیان هنر، تلاش خستگی‌ناپذیر در نوآوری، استفاده از مواد و مصالح جدید به جای بوم و رنگ، گرایش هنرمندان به طرح مسایل سیاسی و اجتماعی روز، تکامل خیره‌کننده تکنولوژی و بسط رسانه‌های جدید همچون عکاسی و اینترنت است.

جنبش‌های هنری قرن بیستم

۱- فوویسم^۱ و اکسپرسیونیست^۲ها



تصویر ۱- هنری ماتیس، میز غذاخوری، ۱۹۰۸ میلادی، موزه هرمتاز، سن پترزبورگ

نخستین نشانه‌های یک نهضت جدید، در سال ۱۹۰۵ در نمایشگاهی به پیشگامی «هنری ماتیس»^۳ ظهور کرد. آشنایی هنرمندان با فرهنگ غیر اروپایی راه‌های تازه‌ای را برای انتقال عواطف پیش پای آن‌ها گذاشت. نقاشی‌های آن‌ها از نظر طرح ساده و از لحاظ رنگ درخشان بود. در این نمایشگاه منتقدی آن‌ها را «فووها» (حیوان وحشی) نامید. آن‌ها با در کنار هم قراردادن رنگ‌های متضاد قدرت و شدت تازه‌ای به رنگ بخشیدند. نمایش کنش عاطفی هنرمند به موضوع کارش با استفاده از شدیدترین رنگ و قوی‌ترین خط، از هر شبیه‌سازی مهمتر بود. فووها مردم را برای پذیرش خصوصیات بیانی رنگ به جای خصوصیات توصیفی آن آماده کردند (تصویر ۱).

فوویسم برای بیشتر اعضای گروه مرحله‌ای گذرا از هنرشان بود و پس از چندی هر یک از آن‌ها شیوه متفاوتی را برگزیدند.

فووها در جسورانه‌ترین آثارشان به هماهنگی طرح و شاعرانگی و چشم‌نوازی رنگ پایبند بودند ولی اکسپرسیونیست‌ها هرگونه قیدی را کنار گذاشتند. آنان با نمایش حالات تند عاطفی، شکل‌های کژنما، انزجار و نفرت خود را علیه حکومت‌ها، مقررات غیر انسانی کار و ... نشان دادند. امیل نلده^۴، کته کل ویتس^۵، و اسیلی کاندینسکی^۶ و ... ماندگارترین آثار اکسپرسیونیستی را آفریدند. آن‌ها در وحشتناکترین لحظات سده بیستم یعنی زمان استبداد نازی بر تمدن اروپایی می‌زیستند و شاهد مستقیم کشتارها و فساد آلمان در سال‌های پس از جنگ بودند (تصویر ۲).

۱- Fauvism

۲- Expressionism

۳- Matisse

۴- Nolde

۵- Kollwitz

۶- Kandinsky

کاندینسکی توجه به خصوصیات روانشناختی رنگ، خط و شکل را تا جایی ادامه داد که موضوع و عناصر شبیه‌سازی از پرده نقاشی حذف شد (تصویر ۳).



تصویر ۳- واسیلی کاندینسکی، طرح برای ترکیب‌بندی، رنگ و روغن، ۱۹۱۰



تصویر ۲- کته کل ویتس، نیاز، سال‌های ۱۹۰۱-۱۸۹۳ میلادی، چاپ نقش سنگی

۲- کوبیسم^۱ و فوتوریسم^۲

کوبیسم (مکعب‌گرایی)، انقلابی‌ترین و نافذترین جنبش هنری قرن بیستم به‌شمار می‌آید. جنبش کوبیسم توسط پیکاسو^۳ و براک^۴ پایه‌ریزی شد و گریس^۵ آن را گسترش داد. کوبیسم واکنشی خردگرایانه در برابر احساسات‌گرایی رمانتی‌سیسم، امپرسیونیسم و فووها بود. آن‌ها موضوعات روایی و احساسی را کنار گذاشتند. عمدتاً طبیعت بیجان موضوع نقاشی آن‌ها بود و صرفاً صورت هندسی اشیا را به تصویر می‌کشیدند. مهمترین دستاورد زیبایی‌شناختی کوبیست‌ها نمایش واقعیت چند وجهی یک شی از زوایای دید متعدد به‌طور همزمان بود (تصویر ۴). فوتوریسم (آینده‌نگری) جنبشی در نقاشی و تندیس‌سازی بود که در شهر میلان شکل گرفت.



تصویر ۴- ژرژ براک، برتغالی‌ها، کوبیسم ترکیبی، رنگ و روغن، ۱۹۱۱ میلادی

۱- Cubism

۲- Futurism

۳- Picasso

۴- Braque

۵- Gris



تصویر ۵- صور یگانه از استمرار در فضا، امبرتو بوتچونی، ۱۹۱۳ م



تصویر ۶- مارسل دوشان، دوچرخه فلزی سوارشده روی پایه چوبی رنگ آمیزی شده، ۱۹۱۳ م، موزه هنر مدرن، نیویورک

فوتوریست‌ها بیشترین استقبال را از جنبش کوبیسم کردند. آن‌ها تلاش کردند صورت پویاتری از کوبیسم را ارائه کنند. فوتوریست‌ها به ستایش دنیای نوین، ماشین، سرعت و خشونت پرداختند. آن‌ها می‌خواستند هنر را به زندگی نزدیک کنند و حرکت را جوهر زندگی امروزی می‌دانستند. تأکید آن‌ها بر نور و حرکت بود. دوران شکوفایی این جنبش در پایان جنگ جهانی رو به زوال گذاشت. بوتچونی^۱ از بزرگان این جنبش است که تلاش دارد حرکت و انرژی را در آثارش جلوه‌گر سازد (تصویر ۵).

۳- دادائیسم^۲ و سورالیست^۳ [فرا واقع‌گرایی]

به موازات تلاش هنرمندان در آفرینش آثار هنری سرشار از وضوح و نظم، واکنش برخی دیگر از هنرمندان به اوضاع زمانه، هنری ویرانگر آفریدند. این هنرمندان در حرکتی اعتراض‌آمیز به همه نهادها و ارزش‌های زمانه آثاری غیر هنری آفریدند. آن‌ها خود هنر را نیز به ریشخند گرفتند. «دادا» از اصطلاحات کودکان و به معنی اسب چوبی بچه‌هاست که بر حسب تصادف از یک واژه‌نامه انتخاب شده و نشاندهنده تهی شدن فرهنگ اروپا از معنای واقعی است. کار دادائیست‌ها بیشتر ویرانگری بود تا سازندگی. این جنبش سریع از حرکت ایستاد اما برخی از ابتکارات فنی مثل فتومونتاز و تأکید بر عنصر تصادف در جریان آفرینش اثر هنری را به هنر مدرن عرضه کرد. مارسل دوشان^۴ از طریق پیوند زدن اشیا (دوچرخه و صندلی) آثاری خلق می‌کرد و به آنها نام الحاق حاضر و آماده می‌داد. وی با ارائه چنین آثاری به ما می‌گوید هنر می‌تواند از تصورات متعارف زیبایی، دوری کند (تصویر ۶).

سورالیسم از درون دادائیسم بیرون آمد و اغلب دادائیست‌ها مثل مارسل دوشان، به جنبش سورالیسم پیوستند. سورالیست‌ها قصد تلفیق امور معقول و غیر معقول را داشتند. سورالیسم تجربه شاعرانه‌ای در یکی کردن انسان با جهان درونی‌اش است. اوج این جنبش دهه ۱۹۳۰ و مهمترین و نیرومندترین جنبش هنری سال‌های بین دو جنگ جهانی بود. سالوادور دالی^۵ از هنرمندان مشهور این مکتب بود. بلافاصله پس از شروع جنگ جهانی دوم بسیاری از این هنرمندان به ایالات متحده (نیویورک) کوچ کردند و به طور جدی منشأ حرکت و تحول در میان هنرمندان آمریکایی گردیدند (تصویر ۶ و ۷).

۱- Boccioni

۲- Dadaism

۳- Surrealism

۴- Duchamp

۵- Dali



تصویر ۷- سالوادوردالی، شیخ صورت و ظرف میوه روی ساحل دریا، ۱۹۳۸ رنگ و روغن روی بوم

۴- هنر انتزاعی^۱

سال‌های ۱۹۱۱-۱۹۱۰ را سال‌های پیدایش جریان هنر انتزاعی می‌دانند. البته سرچشمه‌های این جریان هنری به سال‌های پیشتر بر می‌گردد. هدف اصلی انتزاعگران، نفی هر نوع بازنمایی طبیعت و ایجاد تجربه‌ای بصری یا تجسم مفهومی کلی و یا ذهنی بود.

معمولاً کاندینسکی^۲ را مبتکر نقاشی انتزاعی و فیلسوف و نظریه‌پرداز این شیوه می‌دانند. وی مانند نقاشان قدیم روسی با جهان‌نگری عارفانه خویش هیچگاه هنر را تقلیدی از جهان محسوس نمی‌دانست. امروزه هنر انتزاعی بخشی از زندگی ما شده است اما در ابتدا شروع و حرکت در این مسیر به شجاعت و تخیل فوق‌العاده‌ای نیاز داشت.

روش دیگری که کاندینسکی به کار برد نقاشی بدون هیچ تفکر از پیش تعیین شده بود. شیوه او در بهره‌برداری از احساسات نیمه آگاهانه، باعث جستجوی سورآلیست‌ها در ضمیر ناخودآگاه شد. او با طرح این تئوری که واقعیت ژرف وجود ما در دنیای غریزی ضمیر نیمه آگاه ما قرار دارد، ادعا کرد که باید با کنار گذاشتن دنیای منطقی، وجود هنرمند بر شخص خودش آشکار شود.

در اینجا باید از تاثیر علوم نوین نیز سخن به میان آورد. یافته‌های علم جدید، به طرز اجتناب‌ناپذیر بر شک در مورد اعتبار واقعیت مرئی افزود. با پیدایش روانکاوی فروید، توجه هنر به جهان درونی انسان‌ها افزایش یافت برخی از آثار پل کله^۳ و ویکتور وازارلی^۴ بیانگر این جریان هنری است (تصاویر ۸ و ۹).

۱- Abstract Art

۲- Kandinesky

۳- Klee

۴- Vasarely



تصویر ۹- وازارلی، گورخرها، ۱۹۴۴



تصویر ۸- پل کله، اطراف ماهی، رنگ و روغن روی بوم، ۱۹۲۶ میلادی

۵- واقعگرایی

در آلمان پس از جنگ اول جهانی، آشفته‌گی اجتماعی و سیاسی به اوج می‌رسد. نسل جنگ سعی می‌کند با تیزبینی بر تباهی اخلاقی و بینوایی اجتماعی انگشت بگذارد. چنین بینشی فقط می‌تواند با نوعی واقعگرایی تند و گزنده بیان شود. پس هنر به سلاح حمله و دفاع و وسیله‌ای برای نقد و تبلیغ بدل می‌شود. به این ترتیب شکل‌های مختلف واقع‌نمایی به‌عنوان واکنشی منفی در برابر انتزاع شکل می‌گیرد. «ماکس بکمان»^۱ مفهومی نوین از واقعگرایی را مطرح کرد. او سبک‌های مختلفی را در زندگی تجربه نمود. برای بکمان هیچ چیز مهمتر از بازنمایی و محتوا نبود. پرده‌های او در نقطه مقابل هنر تزئینی یا «نقاشی برای نقاشی» قرار دارند. در آثار او انسان، موقعیت او و حالات ذهنی‌اش با واقعیت تمام در برابر تماشاگر ظاهر شده‌اند (تصویر ۱۰).



تصویر ۱۰- ماکس بکمان، تک‌چهره خود هنرمند (باسمه)، دهه ۱۹۲۰

۶- اکسپرسیونیسم انتزاعی^۲ (هیجان‌نمایی انتزاعی)

نوعی نقاشی عاری از انگاره و فاقد شکل‌های بنیادی (چون اشکال هندسی) و روشی خودانگیز و پویا و قلمزنی آزاد به‌شمار می‌رود. این جنبش بعد از جنگ جهانی دوم در آمریکا شکل گرفت. نقاشی‌های جکسین پولاک^۳

۱- Beckman

۲- Abstract Expressionism

۳- Pollock

بیان‌گر این شیوه است. نقاشی‌های او بازتابی از شرایط کلی زندگی بی‌قرار انسان غربی پس از تجربه دو جنگ جهانی است (تصویر ۱۱). از نظر او و همه هنرمندان اکسپرسیونیست انتزاعگرا، اثر هنری چیزی جز محصول عمل مهارنشده هنرمند نیست و هیچ مضمونی را بیان نمی‌کند. اکسپرسیونیسم انتزاعی نخستین جنبش هنری مهم در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم و اصیل‌ترین و متمایزترین دستاورد تاریخ هنر آمریکا دانسته شده است.



تصویر ۱۱- جکسون پولاک، ۱۹۵۰ میلادی، رنگ و روغن و رنگ لعابی روی بوم بدون آستر، موزه هنر مدرن، نیویورک

۷- هنر پاپ^۱ (هنر همگانی یا هنر مصرف‌گرایی)

این جنبش در دهه ۱۹۶۰ در شهر نیویورک شکل یافت و نامش را از فرهنگ مردم گرفت. علایق هنرمندان پاپ به فرهنگ جمعی، آنان را بیشتر به خلق تابلوهای پرزرق و برق با مفاهیم سیاسی، اجتماعی و حتی اخلاقی رهنمون ساخت. فیلم‌ها و آگهی‌های تبلیغاتی، داستان‌های شبه علمی، موسیقی پاپ، حروف و علائم متداول، اشیای روزمره و کالاهای مصرفی، ابزار و موضوع این هنر جدید شدند. روی لیختن‌اشتاین^۲ از هنرمندان این شیوه است (تصویر ۱۲).



تصویر ۱۲- روی لیختن‌اشتاین، نامید، ۱۹۶۳، رنگ و روغن روی بوم، مجموعه ختم و آقای مایکل سونابند، پاریس، فرانسه

۸- هنر مینیمال^۳ (هنر کمینه) و هنر مفهومی^۴

از سال‌های ۱۹۶۰ به بعد در آمریکا جنبش پاپ جای خود را به دو جریان مینیمالیسم و نیز هنر مفهومی داد. هنر مفهومی از اواخر دهه ۶۰، پس از مینیمال آرت پدید آمد و سرآغاز پست مدرنیسم بود. این جریان هنری در ارتباط با آثار سه بعدی آغاز شد و هدف آن توضیح مجدد مسائلی چون فضا، فرم، مقیاس و محدوده بود. اساس هنر مینیمال، خلاصه‌گرایی در فرم و تأکید بر محتوا در نقاشی و تندیس‌سازی است و پیش از آنکه به احساسات شخصی و بیان آنها علاقمند باشد، سعی

۱- Pop Art

۲- Lichtenstein

۳- Minimal

۴- Conceptual

دارد از قوانین فیزیک، ریاضی، طراحی صنعتی، استعاره و نشانه در خلق آثار استفاده کند (تصویر ۱۳). در هنر مفهومی، مفهوم یا ایده اثر بر زیبایی‌شناسی و مواد به کار رفته در آن اولویت دارد. به عقیده هنرمندان این جریان هنری، اثر هنری، یک شیء فیزیکی نیست، بلکه دارای مفهوم و ایده است و به‌عنوان رسانه استفاده می‌شود.

۹- پست مدرنیسم

پست مدرنیسم [پسانوگرایی] در سال‌های ۷۰ و اوایل دهه ۸۰، گرایش افراطی به بازنمایی عکس‌گونه عرصه نقاشی در برابر انتزاع‌گرایی گسترده سال‌های قبل بود که آغاز دوران پست مدرنیسم را اعلان می‌کرد. در عرصه هنرهای بصری شاید نتوان از سبک یا سبک‌های پست مدرن سخن به میان آورد ولی توصیف نوعی حساسیت و سلیقه پست مدرن در نقاشی و مجسمه‌سازی امکان‌پذیر است. هنرمند پست مدرن به‌ریشه‌های اجتماعی و تاریخی و هنری کار خود توجه نشان می‌دهد و لذا نوآوری صرف بدون تعلقات تاریخی و فرهنگی فاقد هویت و معناست. تأکید اصلی بر این است که همه اشیا و پدیده‌ها در هر زمینه‌ای مفهوم خاص خود را در بر دارند و با دگرگون ساختن این زمینه مفهوم آن‌ها نیز متحول خواهد شد. بیشتر هنرمندان پست مدرن، مواد و روش‌های غیرهمگون را در آثارشان به کار می‌برند که نوعی پراکنده‌گزینی است. نقاش و تندیس‌ساز پست مدرن، بیشتر با نشانه‌ها سروکار دارد، از همین رو از نمادها، اساطیر، تصاویر تاریخی و علائم روزمره بهره می‌گیرد.

اشکال جدید هنر: از سوی دیگر محیط، چیدمان و اجرای نمایشی و تمام جاذبه‌های هنری مستتر در این سه عنصر توجه هنرمندان را به‌خود جلب کرد. امروزه فعالیت‌های نمایش‌گونه و ژست‌های اجتماعی به‌هرحال یک جور رخداد هنری تلقی می‌شوند.

هنر جدید در اشکال چیدمان، ویدئو، عکس و هنر محیطی ظاهر شده است مانند استفاده از تصاویر متحرک در فضای ماریپچ و گردشی موزه گوگنهایم در نیویورک و تجسم یک فواره



تصویر ۱۳- دانالد جاد، بدون عنوان، ۱۹۶۵، آهن گالوانیزه و آلومینیوم، گالری لئوکاستلی، نیویورک، آمریکا



تصویر ۱۵- الکساندر دوکادنه، پرتره جمجمه، ۱۹۹۹، چاپ سیباکروم روی آلومینیوم، ۲۵۰ × ۱۴۸



تصویر ۱۴- نام جوم بیک، چیدمان، ۲۰۰۰، موزه گوگنهایم نیویورک

به کمک پرتوهای نوری در مرکز این فضا که در (تصویر ۱۴) مشاهده می‌شود. اگر چه عکاسی در نیمه نخست قرن نوزدهم اختراع شد لیکن همچنان نفوذ عمیق خود را بر تولیدات هنر معاصر تداوم بخشیده است. عکاسی در یک مقطع خود را یک شکل هنری مستقل و هم عرض با سایر رشته‌ها معرفی کرد، اما اکنون بین این رشته و سایر اشکال آفرینش هنری حد و مرزی وجود ندارد. این رسانه در برگیرنده حوزه‌های متنوعی همچون عکاسی مستقیم، تصاویر دیجیتالی، ویدئو و فیلم می‌باشد. تمهیدات دیجیتالی در عکاسی به مدد امکانات فزاینده کامپیوتری مرزهای آن را با سایر هنرها بیش از پیش مبهم می‌سازد (تصویر ۱۵). هنر بین رسانه‌ای، چندرسانه‌ای و میکس مدیا مورد توجه قرار گرفته است. دوسرسانه ویدئو و عکاسی به دلیل جذابیت مردمی و جنبه سرگرم کننده و سهولت انتقال از مکانی به مکان دیگر مورد اقبال مراکز هنری نوین قرار گرفته اند.



تصویر ۱۶- کارلو برتوچی، ریشه نقاشی، ۲۰۰۰، رنگ روغن روی بوم، ۸۰×۱۲۰، گالری پولیتیکو، رم

در نقطه مقابل این جریانات، نوعی بازگشت به مضامین و ارزش‌های کلاسیک در آثار جمع دیگری از هنرمندان معاصر حضور یافت. آن‌ها به جای پافشاری بر ژولیدگی زندگی شهری معاصر به جستجوی دنیای موعود خود رفتند که شکلی از هنر نئوکلاسیک است از آن جمله می‌توان به کارلو برتوچی اشاره کرد. (تصویر ۱۶).

ارزشیابی

- ۱- فووها چه تأثیری بر نگرش مردم به نقاشی داشتند؟
- ۲- شاخص‌ترین هنرمندان اکسپرسیونیست را نام ببرید.
- ۳- کاندینسکی چه تأثیراتی بر هنر مدرن گذاشت؟
- ۴- مهمترین دستاورد زیبایی‌شناختی کوبیست‌ها چه بود؟
- ۵- جنبش دادا چه تأثیری بر هنر مدرن گذاشت؟
- ۶- هدف سورآلیسم چه بود؟
- ۷- عوامل به وجود آورنده هنر مدرن را شرح دهید.
- ۸- تعریف هنر از نظر هنرمندان اکسپرسیونیست انتزاعی چه بود؟
- ۹- جریان هنر پاپ، هنر مفهومی و مینیمال آرت را شرح دهید.

فهرست منابع

- پاکباز، رویین
۱۳۷۸. دایرةالمعارف هنر، تهران، انتشارات فرهنگ معاصر
- پیرنیا، محمد کریم، معماریان، غلامحسین (تدوین)
۱۳۸۷. سبک‌شناسی معماری ایرانی، تهران، نشر سروش دانش
- تریگیر، مری
۱۳۸۴. هنر چین، ترجمه فرزانه طاهری، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر
- جنسن، ه. و.
۱۳۵۹. تاریخ هنر، ترجمه پرویز مرزبان، تهران، سازمان انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی
- جنسن، ه. و.، (گردآورنده)
۱۳۸۸. تاریخ هنر، ترجمه فرزانه سجودی، تهران، فرهنگسرای میردشتی
- رفیع فر، جلال‌الدین
۱۳۸۱. پیدایش و تحول هنر، درآمدی بر باستان‌شناسی هنر، تهران، نشر برگ زیتون
- فیشر، رابرت. ای
۱۳۸۳. نگارگری و معماری بودایی، ترجمه پاشایی، ع، تهران، انتشارات فرهنگستان هنر
- لوسی اسمیت، ادوارد
۱۳۸۷. فرهنگ اصطلاحات هنری، ترجمه فرهاد گشایش، تهران، انتشارات مارلیک
- مگز، فیلیپ. بی.
۱۳۸۶. تاریخ طراحی گرافیک، ترجمه ناهید اعظم فراست، تهران، انتشارات سمت
- مورتگات، آنتوان
۱۳۷۷. هنر بین‌النهرین باستان (هنر کلاسیک خاور نزدیک) ترجمه زهرا باستی و محمد رحیم
صراف، تهران، انتشارات سمت

وزیری، علینقی
۱۳۸۷ (چاپ سوم). تاریخ عمومی هنرهای مصور، تهران، انتشارات دانشگاه تهران

هارت، فردریک
۱۳۸۲. سی و دو هزار سال تاریخ هنر، تهران، نشر پیکان

Boardman, John (ed)

1993. The Oxford History of Classical Art, Oxford. Oxford University press.

.....

1966. Encyclopedia of World Art, New York. McGraw – Hill Book Company, INC, 15

Vols.

Kemp, Martin (ed)

2000. The Oxford History of Western Art, Oxford. Oxford University press.

Schulz, Regine & ... (ed)

2004. Egypt, The World of The Pharaohs, Ullmann.

Stafutti, S & ...

China, History and Treasures of an Ancient Civilization, WS.

Toman, Rolf (ed)

2004. Gothic, Architecture. Sculpture. Painting, Ullmann.

